

تحلیل جزایی رابطه مجازات تکمیلی با انواع تعزیرات

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

فاطمه نجم سهیلی

چکیده

به موجب ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی " دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی زیر محکوم نماید" بنابراین با توجه به این ماده باید گفت که مجازات های تکمیلی مجازات هایی هستند که به اختیار قاضی در موارد خاصی شخص به آنها محکوم می گردد و در کنار مجازات های اصلی مورد حکم قرار می گیرند. مجازاتهای مقرر در این ماده به تناسب نوع جرم، ارتكابی یا خصوصیات متهم، علیه وی اعمال می گردد بدین معنا که اگر کسی در رانندگی بی احتیاطی کرده، علاوه بر مجازات اصلی دادگاه می تواند او را به منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری محکوم کند نه اینکه او را ملزم به تحصیل نماید چرا که در این حالت مجازات تکمیلی تناسبی با جرم ندارد. در این مقاله قصد داریم به بررسی و تحلیل جزایی رابطه مجازات تکمیلی با انواع تعزیرات بپردازیم.

واژگان کلیدی: مجازات های تکمیلی، تعزیرات، حدود، مجازات های بازدارنده، حبس،

مجازات



بخش اول: تعریف مجازات تکمیلی

در راستای شناسایی ماهیت مجازات های تکمیلی بیان معنی و مفهوم این مجازات ها از اهمیت به سزایی برخوردار است، چرا که ابتدا می بایست با روشن ساختن مفهوم این مجازات ها و بیان تعریفی جامع و مانع از مجازات های تکمیلی، چارچوب ممیزه ی این مجازات ها را از سایر مجازات ها و اقدامات پیش بینی شده در قانون مجازات اسلامی، روشن ساخت. واکنش جامعه علیه جرم، عبارت از مجازات ها و کلیه ی اقدامات تأمینی، تربیتی و سایر تدابیر و شیوه های کیفری است که در قانون جزا برای دفاع جامعه در برابر خطرات و صدمات ناشی از ارتکاب جرایم و حفظ حقوق فردی و اجتماعی، لازم الرعایه می باشند؛ یا به سخن کوتاه، مجموعه عکس العمل های سامان یافته و هدفداری است که جامعه برای مبارزه با جرم و مجازات مجرمان و حالت خطرناک آن ها در قالب مجازات ها، اقدامات تأمینی و تربیتی یا سایر تدابیر در قوانین جزایی پیش بینی می کند.^۱ از جمله تدابیر و عکس العمل های پیش بینی شده در قانون مجازات اسلامی در راستای مقابله با جرم، مجازات های تکمیلی است. بنابراین از جمله دسته بندی های متداول مجازات میان حقوقدان، تقسیم مجازات ها به مجازات های اصلی و تکمیلی و تبعی است. در بیان وجه تمایز مجازات اصلی و تکمیلی بیان شده است که: "مجازات واکنش جامعه در مقابل جرم است، پس اگر مجازات به تنهایی بتواند سزای جرم قرار گیرد به آن مجازات اصلی گفته می شود، اما گاهی مجازاتی به تنهایی نمی تواند چنین هدفی را تأمین کند بلکه باید با مجازات دیگری همراه شود که اصطلاحاً به آن مجازات تبعی و مجازات تکمیلی گفته می شود؛ مجازات تکمیلی باید در حکم دادگاه تصریح شود. مجازات تبعی یا تکمیلی بدون مجازات اصلی تحقق نمی یابد، اما مجازات اصلی ممکن است همراه با مجازات فرعی یا تکمیلی باشد و ممکن است بدون آنها باشد. مجازات های تکمیلی گاهی جنبه ی الزامی دارند و گاهی قاضی اختیار دارد که آنها را اعمال کند یا از آنها چشم پوشد (مانند انتشار حکم). مهمترین اثر این تقسیم بندی تکلیف دادگاه برای تصریح به مجازات



^۱ ولیدی، محمد صالح، مختصر النافع حقوق جزای عمومی، انتشارات بهرام، چاپ اول، ۱۳۷۸، صفحه ی ۳۷۲

در حکم خود می باشد.^۱ هم چنین در خصوص مجازات های تکمیلی بیان شده است که: "مجازات تکمیلی مجازاتی است که یک مجازات اصلی را از جهت اثربخشی و هدف آن تکمیل می کند و این مجازات نیز نسبت به مجرمانی اعمال می گردد که مجازات اصلی برای آنها کافی نیست و لازم است حیثیت و اعتبار ایشان نیز در جامعه مورد تعرض قرار گیرد. مجازات تکمیلی گرچه هم چون سایر مجازات ها تابع اصل قانونی بودن است، اما پیش بینی قانون کفایت نمی کند بلکه دادگاه باید به صراحت آن را مورد حکم قرار دهد."^۲ در تعریف مجازات های اصلی عمده تاً گفته شده است که برای هر جرم قانونگذار یک یا چند مجازات تعیین کرده که مستقیماً مورد حکم قرار می گیرند و ضمانت اجرای خاص و نواهی قانون جزایی هستند و تابع مجازات دیگری نیستند و اجرای آنها مستلزم صدور حکم قطعی دادگاه است که صدور آن برای قاضی به محض احراز وقوع جرم و انتساب آن به متهم لازم ضروری است.^۳ در توضیح مجازات های تکمیلی بیان شده است که مجازاتی است که قانونگذار علاوه بر تعیین مجازات اصلی، در تکمیل آن پیش بینی کرده است و ذکر مجازات تکمیلی در دادنامه ضرورت دارد و هیچ گاه به تنهایی مورد حکم دادگاه قرار نمی گیرد.^۴ هم چنین برخی حقوقدانان از جمله ویژگی های مجازات های تکمیلی را اختیاری بودن این مجازات ها دانسته اند.^۵ پاره ای از حقوقدانان مجازات هایی را که به علت وجود شرایط خاصی به کیفر اصلی مجرم افزوده می شوند، مانند ارتکاب زنا در یکی از ماه های حرام رجب، ذیحجه، ذیقعد و



^۱ زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی (جلد دوم) مجازات ها و اقدامات تأمینی، انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ اول،

۱۳۹۲، صفحه ۲۷

^۲ همان، صفحه ۱۱۶

^۳ ر.ک به: ۱- ساولانی، اسماعیل، حقوق جزای عمومی منطبق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نشر میزان، چاپ

دوم، بهار ۱۳۹۲، صفحه ۲۹۳ و ۲- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، جلد سوم، چاپ اول، تهران، بهار ۱۳۹۳، صفحه ۶۶ و ۳- پورقهرمانی، بابک، نگرشی بر مجازات های تکمیلی (تتمیمی)، مجله ی قانون و کلاسی

دادگستری دوره جدید، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۸، صفحه ۱۳-۳۴

^۴ ر.ک به: ۱- ساولانی، اسماعیل، پیشین، صفحه ۲۹۴ و ۲- اردبیلی، محمدعلی، پیشین، صفحه ۶۸

^۵ ر.ک به: پورقهرمانی، بابک، پیشین، صفحه ۱۵



محرم، که علاوه بر مجازات اصلی حد زنا، زانی و زانیه به مجازات تعزیری نیز محکوم می‌شوند؛ هم چنین ارتکاب قتل در این ماه‌های حرام یا در حرم مکه معظمه، که موجب افزودن یک سوم دیه ی قتل به مجازات اصلی است، کیفر تکمیلی دانسته‌اند.^۱ در خصوص مجازات‌های تبعی نیز گفته شده است که این مجازات‌ها از آثار مترتب بر محکومیت به مجازات اصلی است و هیچ‌گاه در حکم دادگاه قید نمی‌شوند و عمدتاً محرومیت از حقوق اجتماعی هستند.^۲ مستند قانونی مجازات‌های تبعی مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌باشد. طبق ماده ی ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ "محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

الف- هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی.

ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتیکه دیه ی جنایت وارد شده بیش از نصف دیه ی مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه ی چهار.

پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتیکه دیه ی جنایت وارد شده نصف دیه ی مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه ی پنج.

تبصره ی ۱ در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه ی کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذی ربط منعکس نمی‌گردد مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات.

تبصره ی ۲ در مورد جرائم قابل گذشت در صورتیکه پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.

۱. رک به: ولیدی، محمد صالح، پیشین، صفحه ی ۱۰۳

۲. رک به: اردبیلی، محمد علی، پیشین، صفحات ۷۲-۷۳

تبصره ی ۳ در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می شود و محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و هم چنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می گردد.^۱ از جمله نکات بارز مجازات های تبعی مطابق این ماده، امکان اعمال این مجازات ها در موارد محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی می باشد، لذا مجازات های تبعی به تبع مسئولیت کیفری داشتن مرتکب و تنها در ارتکاب جرائم عمدی اعمال می گردند. هم چنین مصادیق تحت عنوان مجازات های تبعی مطابق این ماده، صرفاً محرومیت از حقوق اجتماعی می باشند که در ماده ی ۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مصادیق آن روشن گردیده است. این دسته از واکنش ها اجباری است و لزوماً به تبع محکومیت به مجازات های سالب حیات، حبس ابد، قطع عضو، قصاص عضو، نفی بلد، حبس تا درجه ی چهار و شلاق حدی بر مرتکب اعمال می گردند.

بخش دوم: تبیین و تحلیل جزایی ماهیت مجازات های تکمیلی

ماهیت در لغت به معنی حقیقت، طبیعت، ذات و چیستی شیء ترجمه شده است.^۱ نهاد و سرشت چیزی را ماهیت آن گویند.^۲ بنابراین ماهیت یعنی ذات و چیستی یک شیء یا موضوع، لذا وقتی می گوئیم «ماهیت مجازات های تکمیلی» یعنی درصدد یافتن طبیعت و سرشت این مجازات ها هستیم بدین معنا که می بایست مشخص کنیم که این اقدامات در قانون مجازات اسلامی جزء کدام دسته از اقدامات یا مجازات های مذکور در قانون قرار می گیرند. همانگونه که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ واضح و مبرهن است، قانونگذار ظاهراً قائل به ماهیت مجازات گونه ی این اقدامات است. اما قرار دادن این اقدامات در ردیف مجازات ها مشکلاتی ایجاد می کند، بعلاوه اینکه این اقدامات هم چون اقدامات تأمینی و تربیتی بیشتر یک اقدام جهت پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم در آینده است، هم چنین با توجه به مفهوم لغوی تأدیب

^۱ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه ی دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد دوازدهم، چاپ اول از دوره ی

جدید، بهار ۱۳۷۳

^۲ عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید سه جلدی، انتشارات امیرکبیر، جلد سوم، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۵





که به معنای ادب کردن آمده است (یعنی شخص را پس از ارتکاب یک عمل نادرست تربیت کنند)، این اقدامات رابطه‌ی نزدیکی با تأدیب دارند. بنابراین می‌بایست با توجه به معنی و مفهوم، ویژگی‌ها و اهداف مجازات‌ها، اقدامات تأمینی و تربیتی و تأدیب، طبیعت حقیقی این اقدامات را روشن ساخت تا دریابیم که آیا اقدام قانونگذار در راستای مجازات دانستن این اقدامات صحیح بوده است یا خیر. هم‌چنین در صورتیکه به تبعیت از ظاهر عبارات قانونگذار بخواهیم این‌گونه اقدامات را مجازات بدانیم، باید دید با توجه به دسته‌بندی اصلی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی^۱ و تعاریف ارائه شده از هر یک از مجازات‌ها در مواد ۱۵ تا ۱۸ این قانون، مجازات‌های تکمیلی در کدام دسته از مجازات‌ها قرار می‌گیرند، بدین معنا که حقیقت و ذات این اقدامات مطابق با کدام دسته از مجازات‌ها است.

بخش سوم: بررسی رابطه مجازات‌های تکمیلی با واکنش‌های کیفری

غالب حقوقدانان بر این باور هستند که اقداماتی که با عنوان «مجازات‌های تکمیلی» در قانون مجازات اسلامی وجود دارند، ماهیتی هم‌چون ماهیت مجازات‌ها دارند، لذا این اقدامات را در ردیف مجازات‌ها قرار می‌دهند و مجازات‌ها را بر مبنای نسبت آنها با یکدیگر به سه دسته مجازات‌های اصلی، مجازات‌های تکمیلی و مجازات‌های تبعی تقسیم می‌کنند و در بیان تعریف این سه دسته از مجازات‌ها بیان می‌دارند که: "مجازات‌ها را می‌توان از نظر ارتباطی که با هم دارند به مجازات‌های اصلی و تکمیلی و تبعی تقسیم نمود. مجازات‌های اصلی عبارت از مجازات‌هایی هستند که مخصوص به هر جرم بوده و برای هر یک، مدت آن را قانون مشخص کرده و درباره‌ی مجرمین زمانی به مورد اجرا گذاشته می‌شود که، دادرسی

^۱ ماده‌ی ۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است:

الف- حد

ب- قصاص

پ- دیه

ت- تعزیر

تبصره...

دادگاه صریحاً آن را در حکم قید و میزان آن را تعیین نموده باشد. علاوه بر مجازاتی که قانونگذار برای یک عمل مجرمانه پیش بینی می کند، ممکن است با در نظر گرفتن نوع جرم ارتكابی و درجه و اهمیت آن، مجازات دیگری هم مقرر بدارد، این مجازات اضافی را مجازات تبعی یا تکمیلی گویند.^۱ در تعریف مجازات های تبعی و تکمیلی بیان می کنند: "مجازات های تبعی به خودی خود و بدون نیاز به درج در حکم دادگاه، به کیفرهای اصلی اضافه می شوند و کیفر تکمیلی در واقع همان کیفر تبعی است با این تفاوت که مثل کیفر اصلی در حکم دادگاه قید می شود."^۲ همانگونه که ملاحظه شد با توجه به عملکرد قانونگذار که ظاهراً این گونه اقدامات را در ردیف مجازات ها آورده است، حقوقدانان قائل به ماهیت مجازات گونه ی آنها هستند.

بند اول: ماهیت تعزیری مجازات های تکمیلی

موارد اعمال مجازات های حدی و قصاص، در قانون و شرع کاملاً واضح و روشن است، به گونه ای که در خارج از آن موارد امکان اعمال مجازات های حدی و قصاص مجرم وجود ندارد، لذا با توجه به مفهوم تعزیر و شرایط اعمال این مجازات در شرع و قانون، دامنه ی مجازات های تعزیری بسیار گسترده می باشد، بنابراین اگر اقدامات مذکور در ماده ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را مجازات بدانیم، می بایست این اقدامات را در زمره ی تعزیرات دانست. حال این بدان معناست که قاضی یک بار با استناد به ماده ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی، و متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات مجرم، مجازات تعزیری مناسب را تعیین کند و سپس با استناد به ماده ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی و مجدداً متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات مجرم مجازات تعزیری دیگری را مورد حکم قرار دهد. بعلاوه گفته شد که جهت اعمال مجازات های تعزیری می بایست قاعده ی «تعزیر دون الحد» مورد توجه قرار گیرد، لذا فرض کنیم قاضی در یک پرونده مجازات بیش از ۲۵ سال حبس را مورد حکم

^۱ شامبیاتی، هوشنگ، پیشین، صفحه ی ۳۳۹

^۲ همان، صفحه ی ۳۴۰



قرار دهد (این مجازات مطابق ماده ی ۱۹ قانون مجازات، مجازات تعزیری درجه ۱ محسوب می گردد)، و سپس با استناد به ماده ی ۲۳ قانون مجازات، یک یا چند مورد از مجازات های تکمیلی را نیز در کنار آن اعمال کند، حال با توجه به ماهیت تعزیری مجازات های تکمیلی، به سختی می توان گفت که در مجموع در اعمال مجازات تعزیری، قاعده «دون الحد» رعایت شده است.

بند دوم: مجازات های مکمل حدود و قصاص

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۹۲ در یک اقدام بدیع، مجازات های تکمیلی را علاوه بر تعزیرات در کنار حدود و قصاص نیز قابل اعمال می داند. به نظر می رسد دلیل این امر آن باشد که، چون مجازات های حدود و قصاص در شرع و قانون ثابت و میزان آنها مشخص است و کمیت و کیفیت این مجازات ها قابل تغییر نیست، لذا قانونگذار به قاضی این اختیار را داده است که متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب، در راستای تکمیل اهداف و آثار مجازات ها، در مواردی که ضرورت اقتضا می کند، اقدامات دیگری را نیز علاوه بر مجازات های حدود و قصاص بر مرتکب اعمال کند. حال این پرسش مطرح است که اگر اقدامات مذکور در ماده ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی، مجازات هستند، چرا قانونگذار این اجازه را داده است که به ازای عملی که مستوجب مجازات حد و یا قصاص است، هم مجازات حد و قصاص را اعمال کنیم و هم مجازات تعزیری، بدین معنا که برای عملی که در شرع مجازات آن دقیقاً مشخص شده است و قابل تغییر نیست (نمی توان آن را افزایش یا کاهش داد)، چرا قاضی این اختیار را داشته باشد که مجازات دیگری نیز بر مجازات مقدر اضافه کند و برای یک عمل واحد دو مجازات بر مرتکب اعمال کند؟ بنابراین اگر هدف قانونگذار از قرار دادن مجازات های تکمیلی در کنار مجازات های حد و قصاص، تکمیل این مجازات ها در راستای اهداف و آثار این گونه مجازات هاست، لذا بهتر است جهت حذف مشکلات گفته شده، و بدلیل لزوم بقای اینگونه اقدامات در کنار مجازات حد و قصاص، مجازات های تکمیلی را فاقد ماهیت کیفری دانست و اینگونه اقدامات را از ردیف واکنش های کیفری خارج ساخت.



بعلاوه با توجه به قاعده ی مجاز نبودن مجازات کردن جانی به بیش از جانش، نمی توان جانی را علاوه بر قصاص نفس به مجازات دیگری حتی مجازات های تعزیری اعم از مالی و غیرمالی، محکوم کرد. لذا در صورت قرار دادن مجازات های تکمیلی در ردیف واکنش های کیفری، مخالف با این قاعده عمل کرده ایم.

بخش چهارم: نسبت مجازات های تکمیلی با انواع تعزیرات

همانطور که گفتیم مجازات های تکمیلی در زمره واکنش های تعزیری غیر کیفری قرار می گیرند؛ تعزیرات صرفنظر از ماهیت کیفری و یا غیر کیفری آنها به گونه های متفاوتی هم چون اقدامات تأمینی و تربیتی، تأدیب و نیز تعزیرات شرعی و حکومتی تقسیم می گردند؛ لذا ماهیت مجازات های تکمیلی از حیث طبقه بندی تعزیرات نیز می بایست بررسی گردد. واکنش های تعزیری غیر کیفری که برخی از آن با عنوان «تدابیر جنایی» یاد می کنند، ممکن است به دو صورت «تأدیب» و تدابیر خاصی که از آن با عنوان «اقدامات تأمینی و تربیتی» یاد می شود، اعمال گردند.

بند اول: رابطه مجازات های تکمیلی و اقدامات تأمینی و تربیتی

از جمله مصادیق گونه های غیر کیفری تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی می باشند که با وجود نسخ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ هم چنان با تغییراتی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز جایگاه خود را حفظ کرده اند. در این بخش ضمن شناسایی مفهوم اقدامات تأمینی، بررسی خواهد شد که آیا مجازات های تکمیلی را می توان در زمره ی اقدامات تأمینی و تربیتی قرار داد. واکنش جامعه در مقابل ارتکاب جرم، گاهی به صورت اقدامات تأمینی و تربیتی است. اثباتیون معتقدند که اقدامات تأمینی، جانشین مجازات است ولی نئوکلاسیک ها اقدامات تأمینی را در موارد استثنایی پذیرفته اند. دکتر محمد باهری بر لزوم اقدامات تأمینی تکیه می کنند و بیان می دارند: " مجازات دفاع جامعه را تأمین نمی کند، باید برای جلوگیری از زیان حالت خطرناک تدابیری اندیشید، این تدابیر را اقدامات تأمینی و تربیتی نامند، لزوم اقدامات تأمینی امروز متفقاً علیه همگان است ولی اختلاف در رابطه ی آن با مجازات وجود





دارد.^۱ پاره ای از حقوقدانان با وجود اقدامات تأمینی و تربیتی درصدد نفی وجود مجازات ها می باشند، اما عده ای معتقد بر ابقای مجازات ها در کنار اقدامات تأمینی و تربیتی هستند و تفاوت ها و شباهت هایی میان اقدامات تأمینی و مجازات ها بیان می کنند، من جمله اینکه اعمال مجازات در راستای انتقام جویی و اعمال اقدام تأمینی جهت پیشگیری از سقوط افراد در ارتکاب جرم است، هم چنین گفته شده است که مجازات علیه اشخاص مسئول و اقدام تأمینی علیه اشخاص مسئول و غیرمسئول اعمال می گردد و نیز متغیر بودن اقدام تأمینی در مقابل قطعی بودن مجازات ها مطرح شده است.^۲ حقوقدانان تعاریف مختلفی از اقدامات تأمینی و تربیتی بیان کرده اند. پاره ای از حقوقدانان اقدامات تأمینی را، اقداماتی فردی، الزام آور و بدون رنگ اخلاقی می دانند که فقط برای افرادی به مورد اجرا گذاشته می شود که حالت خطرناک برای جامعه داشته باشند.^۳ در تعریف دیگری از اقدامات تأمینی بیان شده است: " اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم، درباره ی مجرمین خطرناک اتخاذ می کند."^۴ و در تعریف مجرمین خطرناک بیان می کنند: "مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیات ارتکاب و جرم ارتكابی آنان را در مظان ارتكاب جرم در آینده قرار می دهد، اعم از آنکه قانوناً مسئول یا غیر مسئول باشند. صدور حکم تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که، کسی مرتکب جرم شده باشد."^۵ بنابراین اقدامات تأمینی، تدابیری فردی و یا وضعی الزامی بدون صبغه ی اخلاقی هستند که درباره ی افراد خطرناک که نظم اجتماعی را با حالات و رفتار خود تهدید می کنند

^۱ باهری، محمد، پیشین، صفحه ی ۳۶۰

^۲ جهت بررسی تفصیلی شباهت ها و تفاوت های اقدامات تأمینی و مجازات ها، ر.ک به: ۱- ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای عمومی، پیشین، صفحه ی ۲۶۰-۲۶۳ و ۲- باهری، محمد، پیشین، صفحه ی ۳۶۰ و ۳- ساولانی، اسماعیل، پیشین، صفحه ی ۲۸۴ و ۴- شامیاتی، هوشنگ، پیشین، صفحه ی ۴۱۵-۴۱۷

^۳ ر.ک به: شامیاتی، هوشنگ، پیشین، صفحه ی ۴۱۳

^۴ ساولانی، اسماعیل، پیشین، صفحه ی ۲۷۹

^۵ همان، صفحه ی ۲۸۰

و یا نسبت به یک وضع خطرناک، به موجب حکم دادگاه اتخاذ می شوند.^۱ بنابراین می توان گفت دلیل وجودی اقدام تأمینی حالت خطرناک بزهکار می باشد، که به منظور اجتناب از جرم آتی، می بایست اقدام تأمینی را اعمال کرد. لذا هدف اقدام تأمینی، مکافات عمل نیست، بلکه می توان گفت هدف این اقدامات پیشگیری از وقوع جرایم و اجرای روش های اصلاحی، تربیتی، درمانی و یا خنثی ساختن خطرات احتمالی اشخاص یا اشیاء یا مؤسساتی است که حالت خطرناک دارند. به طور کلی می توان گفت که فقدان صبغه ی اخلاقی،^۲ نامعین بودن مدت و تجدیدنظرپذیری، از جمله ویژگی های اقدامات تأمینی و تربیتی می باشند.^۳ در فقه نیز حالت خطرناک می تواند جواز اعمال اقدام تأمینی باشد. با توجه به مبانی اعمال واکنش در برابر حالت خطرناکی در فقه جزایی (از جمله تربیت، ماهیت مجازات، تأمین امنیت، دفاع اجتماعی و نهی از منکر) و نیز مفاهیم فقهی (چون معصیت منتظر) و فتاوی فقها، امکان اعمال این واکنش ها حتی قبل از وقوع فعل (جرم)، نیز موجود است.^۴ اقدامات تأمینی و تربیتی که پس از ارتکاب جرم بر مجرم اعمال می گردد با توجه به ماهیت غیر کیفری این اقدامات و با توجه به مفهوم عام تعزیرات، جزء مجازات های تعزیری غیر کیفری قرار می گیرند. این نکته قابل ذکر است که با وجود همه ی تفصیل، اقدامات تأمینی و تربیتی در قانون مجازات ۱۳۹۲، در معنای اصطلاحی و به عنوان واکنشی مستقل در مقابل حالت خطرناکی به کار نرفته است. بنابراین در حال حاضر در ایران اقدامات تأمینی در مفهوم خاص می باشد، بدین معنا که تدابیری است که صرفاً در خصوص اطفال و مجانین اعمال می گردد. مطابق قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ جهت اعمال اقدامات تأمینی در خصوص اطفال و نوجوانان نیازی



^۱ ر.ک به: اردبیلی، محمدعلی، پیشین، صفحه ۴۳

^۲ بدین معنی که بهتر است اقدامات تأمینی به گونه ای سازمان داده شوند، که توده ی مردم تصور نکنند که تبعیت از محکومیت به اقدام تأمینی، مایه ی رسوایی و سرافکندگی است.

^۳ جهت بررسی تفصیلی ویژگی ها و اهداف اقدامات تأمینی و تربیتی ر.ک به: ۱- سالوانی، اسماعیل، پیشین، صفحه ۲۸۳-۲۸۴ و ۲- اردبیلی، محمدعلی، پیشین، صفحه ۴۶-۵۱

^۴ پیروانی، سعیده، جایگاه اقدامات تأمینی و تربیتی در فقه جزایی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد در رشته گرایش حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، مهر ۱۳۹۲، صفحه ی ۱۲۶

به احراز حالت خطرناک نمی باشد اما مطابق ماده ی ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، جهت اعمال اقدامات تأمینی در خصوص مجانین، هم چنان احراز حالت خطرناک ضرورت دارد بنابراین می توان گفت اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق جزای ایران به دو دسته تقسیم می گردد، یکی اقدامات تأمینی و تربیتی در مفهوم عام مطابق با قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، که این دسته از اقدامات تأمینی منسوخ شده اند و دیگری اقدامات تأمینی در مفهوم خاص مطابق با قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که بر نظام حقوقی ایران حاکم می باشند.

بند دوم: تحلیل وجوه افتراق مجازات های تکمیلی از اقدامات تأمینی و تربیتی

اقدامات تأمینی و تربیتی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، به عنوان واکنشی مستقل در مقابل حالت خطرناکی پیش بینی نشده است و جهت اعمال اقدامات تأمینی علیه اطفال و نوجوانان نیازی به احراز حالت خطرناک نمی باشد. با توجه به این اقدام قانونگذار، پاره ای از حقوقدانان معتقدند که با وجود ماده ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، نیازی به اقدامات تأمینی و تربیتی نیست، زیرا مجازات های تکمیلی شبیه این اقدامات هستند و هدف آنها را تأمین می کنند، از همین روی قانون اقدامات تأمینی بوسیله ی قانونگذار نسخ گردید.^۱ لذا این گروه قائل به ماهیتی یکسان برای مجازات های تکمیلی و اقدامات تأمینی و تربیتی هستند.^۲ نگارنده با نظر اخیر مخالف است، زیرا درست است که مجازات های تکمیلی نیز هم چون اقدامات تأمینی و تربیتی بیشتر وسیله ی اصلاح و تزکیه می باشند تا مکافات عمل، اما دلایلی وجود دارد که نشان می دهند اقدامات تأمینی و مجازات های تکمیلی با یکدیگر متفاوت می باشند. لذا در ادامه دلایل تفاوت اقدامات تأمینی و مجازات های تکمیلی توضیح داده خواهد شد. ذکر این نکته ضروری است که علی رغم نسخ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، اما به دلیل اعتقاد برخی از حقوقدانان مبنی بر یکسان دانستن مجازات های تکمیلی موجود در ماده ی ۲۳ قانون



^۱ ر.ک به: زراعت، عباس، پیشین، صفحه ۲۸

^۲ جهت ملاحظه ی نظر مخالف ر.ک به: پروانی، سعیده، پیشین

مجازات اسلامی با اقدامات تأمینی موجود در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، علاوه بر مقایسه ی مجازات های تکمیلی با اقدامات تأمینی موجود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، این دسته از واکنش ها با اقدامات تأمینی مذکور در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ نیز مقایسه می گردند.

الف - مسئولیت کیفری

مطابق ماده ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قاضی تنها زمانی می تواند حکم به مجازات های تکمیلی صادر کند که شخص، مجرم شناخته شده باشد، بدین معنا که مطابق مواد قانون مجازات اسلامی متهم، مسئول شناخته شده و به مجازات حد، قصاص و یا تعزیر محکوم شده باشد. لذا می توان گفت که مجازات های تکمیلی تنها در خصوص اشخاص دارای مسئولیت کیفری قابل اعمال است بر خلاف اقدامات تأمینی و تربیتی که هم بر اشخاص دارای مسئولیت کیفری و هم بر اشخاص فاقد مسئولیت کیفری اعمال می گردد، زیرا اقدامات تأمینی در خصوص اطفال و مجانین نیز قابل اعمال است، اما این اشخاص مطابق قانون فاقد مسئولیت کیفری هستند. بنابراین شرط داشتن مسئولیت کیفری جهت اعمال مجازات های تکمیلی را میبایست به عنوان ممیزه ی میان مجازات های تکمیلی و اقدامات تأمینی برشمرد، بدین معنا که علیه اشخاص فاقد مسئولیت کیفری می توان اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال کرد اما این اشخاص را نمی توان به مجازات های تکمیلی محکوم کرد.

ب - حالت خطرناک

همانگونه که گفته شد اقدامات تأمینی و تربیتی یک سلسله تدابیر پیشگیرانه، ناشی از واکنش جامعه، برای جلوگیری از تکرار جرم از سوی مجرمین خطرناک می باشد. بنابراین همانگونه که ماده ی ۱ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ نیز اشاره کرده بود می توان گفت، اقدامات تأمینی و تربیتی واکنشی است در مقابل حالت خطرناکی شخص، لذا قاضی می بایست ابتدا مطابق شواهد و قرائن موجود حالت خطرناک شخص را تشخیص داده و سپس حکم به اقدام تأمینی مناسب را صادر کند. به همین دلیل است که اقدامات تأمینی در خصوص اشخاص فاقد



مسئولیت کیفری نیز قابل اعمال است زیرا شرط اساسی در اعمال اقدامات تأمینی، احراز حالت خطرناک شخص است نه تقصیر جزائی او. اما مطابق قانون، قاضی جهت اعمال مجازات های تکمیلی نیازی به احراز حالت خطرناک شخص ندارد بلکه صرف محکومیت شخص به حد، قصاص و یا تعزیر و صلاحدید قاضی، مجوزی برای اعمال مجازات های تکمیلی است. بنابراین مجازات های تکمیلی واکنشی در مقابل حالت خطرناکی شخص نیست، به عبارت دیگر اقدامات تأمینی و تربیتی مابه ازاء حالت خطرناکی شخص است اما در اعمال مجازات های تکمیلی نیازی به احراز حالت خطرناک نیست، بدین معنا که مسئولیت کیفری داشتن شخص و محکومیت مرتکب، از جمله شرایط اعمال مجازات های تکمیلی می باشد نه حالت خطرناک او. ذکر این نکته ضروری است که مطابق قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، احراز حالت خطرناک صرفاً در خصوص اعمال اقدامات تأمینی بر مجانین ضرورت دارد و در خصوص اعمال اقدامات تأمینی بر اطفال و نوجوانان، قانونگذار چنین قیدی را مدنظر قرار نداده است. لذا باید گفت اقدامات تأمینی در مفهوم عام و اعمال اقدامات تأمینی بر مجانین (اقدامات تأمینی در مفهوم خاص)، لزوماً نیاز به احراز حالت خطرناک شخص دارد و از این حیث با مجازات های تکمیلی متفاوت است، اما جهت اعمال اقدامات تأمینی بر اطفال و نوجوانان (اقدامات تأمینی در مفهوم خاص)، احراز حالت خطرناک شخص ضرورت ندارد، اما چون این اقدامات بر اشخاص فاقد مسئولیت کیفری اعمال می گردند لذا نمی توان آنها را در زمره ی مجازات های تکمیلی قلمداد کرد.

پ- مدت زمان

مطابق تبصره ی ۱، ماده ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مدت اعمال مجازات های تکمیلی بیش از دو سال نیست، بدین معنا که مدت مجازات های تکمیلی معین است و قاضی ملزم به تعیین مدت با سقف حداکثر دو سال است. اما در خصوص اقدامات تأمینی به دلیل فلسفه ی وجودی این اقدامات که همان رفع حالت خطرناک شخص است، قاضی می تواند با توجه به شرایط و اوضاع و احوال شخص، مدت اجرای اقدامات تأمینی را مشخص کند و حتی

در صورت لزوم این مدت را تمدید کند، بنابراین می توان گفت که مدت زمان اجرای اقدامات تأمینی نامعین است. بنابراین باید گفت علی رغم اینکه پاره ای از مصادیق مجازات های تکمیلی در ماده ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اقدام تأمینی است، و هدف برجسته ی هردو نیز پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم در آینده است، اما با توجه به تفاوت هایی که ذکر گردید، ماهیت مجازات های تکمیلی و اقدامات تأمینی از یکدیگر متمایز است، به عبارت دیگر دلیل صدور حکم به اقدام تأمینی وجود حالت خطرناک شخص است و نه تقصیر جزایی او، اما از شرایط اعمال مجازات های تکمیلی مطابق قانون، محکومیت متهم به مجازات است و این اقدامات مابه ازاء حالت خطرناک شخص نیست. باید خاطر نشان ساخت که مجازات های تکمیلی را نمی توان در زمره ی اقدامات تأمینی و تربیتی در مفهوم خاص (اقدامات تأمینی موجود در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲) نیز برشمرد، زیرا در قانون جدید، اقدامات تأمینی تدابیری خاص می باشد که صرفاً در خصوص اطفال و نوجوانان و مجانین اعمال می گردد و مواردی هم که اقدامات تأمینی بر اشخاص دارای مسئولیت کیفری اعمال می گردد، مطابق ماده ی ۸۹ قانون مجازات مصوب ۹۲، مواردی خاص است که صرفاً در خصوص اشخاص مذکور در این ماده قابل اعمال است (نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری شوند و سن آنها در زمان ارتکاب جرم بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است)، اما مجازات های تکمیلی بر همه ی اشخاصی که دارای مسئولیت کیفری هستند و محکوم به مجازات های حد، قصاص یا مجازات تعزیری درجه ی یک تا شش شده اند قابل اعمال است. سؤالی که در اینجا مطرح می گردد این است که در خصوص اشخاصی که بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی هستند و مرتکب جرم می گردند آیا می توان مجازات های تکمیلی را اعمال کرد؟ به عقیده ی نگارنده پاسخ این سؤال منفی است زیرا، مطابق ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، در خصوص این اشخاص در موارد ارتکاب جرم تعزیری مجازات هایی جایگزین مجازات های تعزیری شده اند که هیچ یک از آنها جزء تعزیرات درجه ی یک تا شش مذکور در ماده ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی نمی باشند، بعلاوه قانونگذار در ماده ی ۸۹ مجازات این اشخاص را خفیف تر کرده است، لذا به نظر منطقی نمی رسد که مجازات تعزیری این اشخاص با توجه به



شرایط سنی این گروه تقلیل یابد اما هم چنان مجازاتی مضاف بر مجازات اصلی بر این اشخاص قابل اعمال باشد. در خصوص ارتکاب جرائم حدی و جنایات نیز علی رغم امکان اعمال مجازات های حدی و قصاص علیه این اشخاص، اعمال مجازات های تکمیلی چندان قابل توجیه نیست؛ زیرا امکان عدول از مجازات های حدی و قصاص در خصوص اشخاص دارای مسئولیت کیفری وجود ندارد، اما با توجه به شرایط سنی ویژه ی این اشخاص و اقدام قانونگذار در راستای تقلیل مجازات های تعزیری این دسته از مرتکبین و با توجه به ماهیت تعزیری مجازات های تکمیلی می توان گفت این مجازات ها قابل اعمال نیست. اگرچه با توجه به سکوت قانونگذار در این خصوص و اختیار قاضی در اعمال مجازات های تکمیلی، شاید بتوان گفت در مواقع لزوم و با رعایت قانون، دادرسی می تواند با استناد به ماده ۲۳ قانون مجازات، مجازات های تکمیلی را نیز در خصوص این اشخاص مورد حکم قرار دهد.

بخش پنجم: رابطه مجازات های تکمیلی با تأدیب

در این بخش با توجه به اینکه گونه ای از واکنش های غیر کیفری تعزیری، تأدیب است، لذا ماهیت مجازات های تکمیلی بر مبنای مفهوم تأدیب بررسی خواهد شد تا بدین صورت این نکته روشن گردد که آیا مجازات های تکمیلی را می توان نوعی تأدیب دانست؛ لذا در این بخش ابتدا معنی و مفهوم تأدیب و سپس رابطه ی مجازات های تکمیلی با اینگونه واکنش بررسی خواهد شد.

بند اول: مفهوم تأدیب

در لغت نامه ی دهخدا، تأدیب به معنای ادب آموختن به کسی، ادب کردن، ادب دادن، آموختن طریقه ی نیک و یا تربیت نمودن آمده است.^۱ هم چنین تعزیر، تأدیب کمتر از حد نیز معنا شده است. در فرهنگ فارسی معین و عمید در تعریف تأدیب، از مضامین متفاوتی هم چون بازخواست کردن کسی برای کاربرد و گوشمالی دادن استفاده شده است. بنابراین تأدیب در کلام لغت دانان در دو معنا به کار رفته است:

^۱ دهخدا، علی اکبر، پیشین



- تربیت و تعلیم آداب نیک

- عقوبت و مجازات بر رفتارهای ناپسند

از نظر اصطلاحی در فقه گفته شده است، تأدیب به معنای بازداشتن یا ترساندن دیگری است، همانند برخورد معلم با متعلم. می توان گفت تأدیب در اصطلاح فقیهان، مجازات سبکی است که برای اعمال ناشایست کسانیکه به حد تکلیف شرعی نرسیده اند (از نظر شرعی مکلف محسوب نمی شوند)، در نظر گرفته شده است.^۱ در ادله ی فقهی (روایات) و کلمات فقها واژه ی تأدیب در دو معنا به کار رفته است:

"۱- در موردی که صبی ممیز یا معجون مرتکب جرایمی گردند که اگر اشخاص بالغ و عاقل آن را مرتکب شوند، مستحق مجازات حد می گردند، مانند زنا، سرقت، لواط و...

۲- در تخلف از اموری که قوانین شرع انجام یا ترک آن را بوسیله ی صبی به عنوان حکم استجابی پسندیده دانسته است، مانند اینکه طبق روایات به اولیای اطفال امر شده است که از سنین هفت سالگی و بعد از آن، آنها را به انجام نماز، روزه و ادای سلام و به طور کلی انجام عادات و رسوم دینی که بر پایه ی عقل و منطق استوار است، وادار سازند و در صورت مخالفت به وسیله ی ضرب آنها را تأدیب نمایند."^۲

"مقصود از تأدیب در مورد اول عقوبت شرعی و نوعی خاص از تعزیر است، به عبارت دیگر تأدیب، تعزیری است که خفیف تر از تعزیر اشخاص بالغ و عاقل باشد و به عنوان مجازات اطفالی که نزدیک به مرحله ی بلوغ هستند و نیز آن دسته از مجانبینی که اجمالاً قدرت تشخیص دارند در نظر گرفته شده است. اما روشن است که قسم دوم را نمی توان مجازات و عقوبت نامید، زیرا تخلف از آداب و رسوم صحیح اجتماعی و نیز ترک امور مستحبی دینی، آن هم نسبت به طفل ممیز، جرم و معصیت محسوب نمی شود تا به عنوان مجازات تأدیب

^۱ عمارتی، کاظم، تأدیب و نگهداری مجانبین در حقوق کیفری ایران، انتشارات فکر سازان، چاپ اول، ۱۳۸۸، صفحه ی ۶۹

^۲ انصاری، قدرت الله و دیگران، پیشین، صفحه ی ۵۳۴



گردد.^۱ در کتاب حقوق جزای اسلامی از عبدالقادر عوده، موارد تأدیب دو مورد ذکر شده است:

۱- تأدیب همسر ۲- تأدیب کودکان

در این کتاب شرایطی برای تأدیب بیان گردیده است.

" واجب است تأدیب به خاطر گناهی باشد که صغیر (یا زوجه)، مرتکب شده است، نه به خاطر گناهی که خوف ارتکاب آن توسط صغیر (یا زوجه) وجود دارد. دیگر اینکه ضرب، غیر شدید و متوجه صورت و مواضع خطرناک مانند شکم و آلات تناسلی او نشود و اینکه به قصد تأدیب باشد و در آن زیاده روی نشود، و آن ضرب به نحوی باشد که عرفاً تأدیب تلقی گردد. پس اگر ضرب در این حدود باشد ضارب دارای مسئولیتی نخواهد بود، زیرا عمل مباحی انجام داده است."^۲

در نهایت می توان گفت نزد فقها تأدیب در دو معنا به کار می رود:

- تربیت همراه با تنبیه به عنوان وظیفه ی والدین در برابر فرزندان و معلّم در مقابل متعلّم
- عقوبت شرعی که با تعزیر مترادف است.

فقها معنای دوم را در دو مورد به کار می برند، یکی در مورد کودک یا مجنوننی که مرتکب اعمال زشت یا جنایت شود، دوم در مورد انسان بالغ و عاقل که جرم و جنایت از او صادر شود. همانگونه که در خصوص انجام عمل لواط بین نوجوان نابالغ و مرد بالغ، محقق حلّی و برخی از فقها گفته اند که باید مرد بالغ کشته و نابالغ تأدیب گردد. (لو لاط الصّبی ببالغ قتل البالغ و یؤدّب الصّبی)^۳ البته همین مورد را برخی فقها به تعزیر تعبیر کرده اند، از جمله شهید اول در

^۱ همان، صفحه ی ۵۳۶

^۲ عوده، عبدالقادر، حقوق جزای اسلامی، مترجمان ناصر قربان نیا و دیگران، نشر میزان، جلد دوم، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۳،

صفحه ی ۲۳۵

^۳ نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، پیشین، جلد ۴۱، صفحه ی ۳۷۹



مورد کودکی که مرتکب لواط شود معتقد است که در هر صورت باید تعزیر گردد.^۱ اما شهیداول در خصوص انجام عمل لواط از جانب مجنون، قائل به تأدیب او می باشند، برخی فقها نیز در این حالت یک قید اضافه می کنند و آن اینکه، به شرط آنکه تأدیب در او مؤثر باشد. شهیدثانی در توضیح کلام شهیداول می نویسد، مقصود از تأدیب در اینجا همان تعزیر است، گرچه این دو مفهوم متفاوتند.^۲ هم چنین در خصوص کودکِ قذف کننده، پاره ای از فقها لفظ تعزیر را به کار می برند و عده ای دیگر لفظ تأدیب را به کار برده اند. با توجه به بیان فقها، به نظر می رسد که در مقصود ایشان، تأدیب نوعی از تعزیر است و از جنس آن، و اینکه فقیهی در یک جا واژه ی تعزیر را به کار می برد و در جای دیگر واژه ی تأدیب، یا اینکه فقیه دیگری در همان مورد به جای واژه ی تعزیر، تأدیب را به کار می برد، نشانگر این امر است. لذا در فقه اصطلاح خاصی در مورد تأدیب به عنوان عقوبتی غیر از تعزیر وجود ندارد. به همین جهت فقها بحث تأدیب را اغلب در ضمن مباحث حد و تعزیر ذکر نموده اند. بنابراین میتوان گفت که از دیدگاه فقهی تعزیر و تأدیب به یک معنا می باشند. به موجب ماده ی ۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: "تعزیر، تأدیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است..." و در مواد ۴۳ و ۵۴ همان قانون، در مقام بیان مراتب تأدیب آن را از وعظ و توبیخ و تهدید و ... ذکر کرده بود. هم چنین در ماده ی ۵۱ قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰، قانونگذار در خصوص تأدیب مجنون بیان کرده است: "در صورتیکه تأدیب مرتکب مؤثر باشد به حکم دادگاه تأدیب می شود." لذا گفته شده است که مطابق این مواد قانونگذار تأدیب را در زمره ی عکس العمل های جزایی محسوب کرده و مراد از تأدیب در مواد مذکور مفهومی فراتر از اقدامات تأمینی و تربیتی بوده و اعم از آن است.^۳ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مطابق ماده ی ۸۸ این قانون، اصطلاح تأدیب در

^۱ عاملی جبعی، زین الدین (شهیدثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللعنة الدمشقیة، نشر داوری، جلد ۹، قم، ۱۴۱۰، صفحه ی

۱۴۵

^۲ همان، صفحه ی ۱۴۶

^۳ ر.ک به: صادقی، محمدهادی، پیشین، صفحه ی ۱۶



خصوص طفل یا نوجوانی که مرتکب جرم تعزیری شود، به کار رفته است. لذا با توجه به سابقه ی قانونگذاری و هم چنین در نظر گرفتن تأدیب در قانون مجازات ۱۳۹۲ برای طفل یا نوجوانی که مرتکب جرم تعزیری شده است، به نظر می رسد قانونگذار نیز به تبعیت از نظر فقها، قائل به جایگاه حقوقی مجزا برای تأدیب نمی باشد، بدین معنا که قانونگذار نیز تأدیب را نوعی تعزیر خفیف می داند. غالب حقوقدانان نیز در بیان معنی و مفهوم تعزیر، عمدتاً واژه ی تأدیب را به کار می برند. بنابراین می توان گفت، در مفهوم حقوقی تعزیر نیز هم چون مفهوم فقهی آن، تأدیب و تعزیر به یک معنا می باشند و عمدتاً تعزیر خفیف را تأدیب گویند.

بند دوم: ماهیت تأدیبی برخی از مجازات های تکمیلی

بیان کردیم در اصطلاح فقهی و حقوقی تعزیر و تأدیب مترادف یکدیگر می باشند و عمدتاً تعزیر خفیف را تأدیب گویند. گفته شد که در بیان فقها تأدیب در دو معنای تربیت فرزندان همراه با تنبیه و عقوبت شرعی مترادف تعزیر که در مقابل ارتکاب جرم کودک یا مجنون و انسان بالغ اعمال می گردد، بکار برده می شود. لذا در خصوص مفهوم تأدیب می توان به دو گونه برداشت نمود: نخست آنکه تأدیب همان تعزیر است لذا شامل هرگونه واکنش علیه جرم اعم از واکنش های کیفری یا غیر کیفری می باشد به عبارت دیگر تأدیب همان تعزیر در مفهوم عام می باشد. در برداشت دیگری از مفهوم تأدیب گفته شده است تعزیر خفیف را تأدیب گویند، لذا مطابق این مفهوم می بایست تأدیب را به عنوان نوعی واکنش تعزیری غیر کیفری برشمرد، بدین معنا که تأدیب در مفهومی از تعزیر که صرفاً شامل گونه های غیر کیفری تعزیر است، قرار می گیرد. لذا باید گفت، در صورتیکه مقصود از تأدیب تعزیر خفیف (گونه ای از واکنش های تعزیری غیر کیفری) باشد، برخی از مجازات های تکمیلی را می توان مشمول این عنوان دانست، زیرا همانگونه که گفته شد مجازات های تکمیلی در قلمرو گونه های غیر کیفری تعزیر قرار می گیرند؛ اما اگر تعزیر و تأدیب را مترادف یکدیگر بدانیم، در این صورت می بایست «تأدیب» را نیز هم چون «تعزیر»، در دو معنای عام و خاص در نظر گرفت و بیان کرد که تأیب در مفهوم عام تعزیر، شامل هرگونه واکنش اعم از کیفری



و غیر کیفری است، لذا مجازات های تکمیلی را می توان در این مفهوم قرار داد اما مجازات های تکمیلی در زمره ی تأدیب در مفهوم خاص که صرفاً شامل واکنش های کیفری است، قرار نمی گیرند. اما باید گفت عمدتاً تعزیر خفیف را تأدیب گویند، به گونه ای که در قانون مجازات مصوب ۷۰، ضمن یکسان دانستن مفهوم تعزیر و تأدیب، در ذکر موارد تأدیب آن را از وعظ و توبیخ و تهدید و... نام برده بود. بنابراین می توان گفت موارد تأدیب عمدتاً واکنش های تعزیری غیر کیفری است، همانگونه که در ماده ی ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصدق از آن بیان گردیده است، و مطابق این ماده: «درباره ی اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است، حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می کند:

الف - تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان.

تبصره...»

برخی از حقوقدانان تأدیب را در زمره ی «تدابیر جنایی» محسوب کرده اند.^۱

در نهایت می توان نتیجه گرفت با توجه به سابقه ی تقنینی، مقصود از تأدیب تعزیر خفیف و گونه ای از واکنش های تعزیری غیر کیفری یا همان تدابیر جنایی است، لذا می توان برخی از مجازات های تکمیلی را تحت شمول مفهوم تأدیب قرار داد؛ زیرا آن دسته از مصادیق گونه های غیر کیفری تعزیر که تحت شمول مفهوم تأدیب قرار می گیرند منحصراً معلوم و مشخص نمی باشند، بنابراین نمی توان گفت همه ی مصادیق مجازات های تکمیلی لزوماً نوعی تأدیب می باشند بلکه این امکان وجود دارد که برخی از مصادیق مجازات های تکمیلی در مفهوم تعزیر خفیف و متقابلاً در مفهوم تأدیب قرار نگرفته باشند.

^۱ ر.ک به: صادقی، محمدهادی، پیشین ص ۴۵



نتیجه گیری

مجازات های تکمیلی را نمی توان نوعی واکنش کیفری محسوب کرد زیرا در صورت کیفری دانستن این اقدامات با توجه به اینکه موارد اعمال مجازات های حدی و قصاص، در قانون و شرع کاملاً واضح و روشن است و با توجه به مفهوم تعزیر و شرایط اعمال این مجازات در شرع و قانون و گستره ی وسیع دامنه ی مجازات های تعزیری، لذا در صورتیکه اقدامات مذکور در ماده ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را مجازات بدانیم، می بایست این اقدامات را در زمره ی تعزیرات دانست. این بدان معناست که با توجه به امکان اعمال مجازات های تکمیلی در کنار حدود و قصاص و تعزیرات، برای یک عمل مجرمانه دو واکنش کیفری اعمال گردد که این موضوع با قاعده ی «دون الحد» در تعزیرات و قاعده ی «منع مجازات کردن جانی بیش از جانش» در قصاص و نیز «ثابت و معین بودن مجازات» در جرایم حدی، مغایر است. با توجه به موارد گفته شده باید گفت مقصود قانونگذار از به کار بردن عنوان «مجازات های تکمیلی»، قرار دادن اینگونه اقدامات در مفهوم نوعی واکنش کیفری نیست، بلکه قانونگذار آنها را در مفهوم عام مجازات، یعنی به عنوان گونه ای از واکنش ها اعم از کیفری و غیر کیفری، در مقابل ارتکاب جرم می داند. با توجه به مفهوم عام تعزیرات، مجازات های تعزیری شامل هرگونه اقدامی اعم از کیفری و غیر کیفری، در مقابل ارتکاب عمل مجرمانه می باشند، لذا می توان تعزیرات را به دو دسته ی واکنش های کیفری تعزیری و واکنش های غیر کیفری تعزیری تقسیم کرد و مجازات های تکمیلی را در زمره ی گونه های غیر کیفری تعزیرات قرار داد. همچنین باید توجه داشت مجازات های تکمیلی را نمی توان در زمره ی اقدامات تأمینی در مفهوم عام قرار داد زیرا دلیل صدور حکم به اقدام تأمینی وجود حالت خطرناک شخص است صرفنظر از مسئولیت کیفری داشتن یا نداشتن مرتکب، اما از شرایط اعمال مجازات های تکمیلی مطابق قانون، محکومیت متهم به مجازات است و این اقدامات مابه ازاء حالت خطرناک شخص نیست، بلکه می توان در یک فرض مجازات های تکمیلی را مابه ازاء حالت و وضعیت شخص دانست، بدین معنا که در مواردی که شخص متجری باشد پاره ای از اقدامات علاوه بر مجازات اصلی بر مرتکب مابه ازاء تجری او اعمال



می‌گردد؛ هم چنین می‌توان گفت مجازات‌های تکمیلی مابه‌ازاء فعل است در صورتیکه فعل دارای عناوین مجرمانه‌ی متعدد باشد و به‌طورمثال یکی از عناوین حد و دیگری تعزیر یا همان مجازات تکمیلی است و یا در مواردی که یکی از عناوین عمل مجرمانه نقض نظم اجتماعی است و قاضی به نمایندگی از حکومت مجازات‌های تکمیلی را در کنار مجازات اصلی اعمال می‌کند؛ آنچه واضح و مبرهن است این است که در اعمال مجازات‌های تکمیلی نیازی به احراز حالت خطرناک شخص نیست. هم چنین مجازات‌های تکمیلی را نمی‌توان در زمره‌ی اقدامات تأمینی و تربیتی در مفهوم خاص (اقدامات تأمینی موجود در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲) نیز برشمرد، زیرا در قانون جدید، اقدامات تأمینی تدابیری خاص که صرفاً در خصوص اطفال و نوجوانان و مجانین اعمال می‌گردد می‌باشد و مواردی هم که اقدامات تأمینی بر اشخاص دارای مسئولیت کیفری اعمال می‌گردد، مطابق ماده‌ی ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، مواردی خاص است که صرفاً در خصوص اشخاص مذکور در این ماده قابل اعمال است (نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری شوند و سن آنها در زمان ارتکاب جرم بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است)، اما مجازات‌های تکمیلی بر همه‌ی اشخاصی که دارای مسئولیت کیفری هستند و محکوم به مجازات‌های حد، قصاص یا مجازات تعزیری درجه‌ی یک تا شش شده‌اند قابل اعمال است.



منابع و مأخذ

الف- کتب

- ۱- ابوالمکارم ابن زهره، (۱۳۷۴)، فقه استدلالی، ترجمه مهدی انجوی نژاد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول
- ۲- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، جلد سوم، چاپ اول، تهران
- ۳- انصاری، قدرت الله و محمد جواد انصاری، ابراهیم بهشتی، علی اکبر طباطبایی، (۱۳۸۵)، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول
- ۴- الهیان، مجتبی، (۱۳۷۲)، نگرش فقهی - حقوقی پیرامون احکام حدود، قصاص، دیات در فقه امامیه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم
- ۵- باهری، محمد، (۱۳۸۱)، حقوق جزای عمومی (تقریرات دکتر محمد باهری)، انتشارات رهام، تهران، چاپ اول
- ۶- جندلی، منون، (۱۳۹۳)، درآمدی بر پیشگیری از جرم، ترجمه ی شهرام ابراهیمی، نشر میزان، چاپ اول
- ۷- حاجی ده آبادی، احمد، (۱۳۸۷)، قواعد فقه جزایی (حدود و تعزیرات، قصاص و دیات)، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول
- ۸- حسنی، علی اکبر، (۱۳۶۰)، نظری به قوانین جزایی اسلام، انتشارات ایرانچاپ، چاپ تهران اطلاعات
- ۹- خوئی، ابوالقاسم، (۱۳۹۱)، ترجمه مبانی تکلمه المنهاج، ترجمه علیرضا سعید، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ سوم
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد دوازدهم، چاپ اول از دوره جدید



- ۱۱- ذهنی تهرانی، محمدجواد، (۱۳۶۶)، المباحث الفقهیه، انتشارات وجدانی، چاپ اول
- ۱۲- زراعت، عباس، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی ۳ (مجازات ها و اقدامات تأمینی)، انتشارات جاودانه، جنگل، تهران، جلد دوم، چاپ اول
- ۱۳- زراعت، عباس، (۱۳۹۲)، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، نشر ققنوس، تهران
- ۱۴- ساکی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی (مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی)، انتشارات جنگل، جاودانه، تهران، جلد سوم، چاپ اول
- ۱۵- ساولانی، اسماعیل، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی منطبق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲/۲/۱، نشر میزان، چاپ دوم
- ۱۶- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۸۹)، حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، جلد دوم، چاپ شانزدهم
- ۱۷- شیکر، دیوید، (۱۳۸۹)، مفهوم و ماهیت مجازات، ترجمه حسین آقائی جنت مکان، نشر اهواز، بی جا
- ۱۸- عرب نیا، محمدصادق، (۱۳۷۳)، بررسی مسائل حدود از کتاب خلاف مرحوم شیخ طوسی، انتشارات چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول
- ۱۹- عمارتی، محمدکاظم، (۱۳۸۸)، تأدیب و نگهداری مجانین در حقوق کیفری ایران، انتشارات فکرسازان، چاپ اول
- ۲۰- عمید، حسن، (۱۳۶۵)، فرهنگ فارسی عمید سه جلدی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم
- ۲۱- عمیدزنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۶)، قواعد فقه بخش جزا، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، تهران، جلد دوم، چاپ اول

ب- مقالات



۱- ابراهیمی، سعید، (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی ماهیت دیه در فقه مذاهب اسلامی با نگرش به آراء حقوقدانان و نظریات مشورتی، مجله مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، شماره ۱۰، صفحه ۴ تا ۱۳

۲- اسدیان، ترحم، (۱۳۸۱-۸۳)، نقد و بررسی رأی وحدت رویه شماره ۵۹۰ مورخ ۱۵/۱۱/۷۲ هیأت عمومی دیوانعالی کشور، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۲۶-۳۳، صفحه ۳ تا ۱۰

۳- آشوب، (۱۳۱۷)، تقسیم مجازات ها، مجله مجموعه حقوقی، شماره ۷۱، صفحه ۱۸ تا ۲۱
۴- بهداد، علی، (۱۳۴۶)، اقدامات تأمینی با دفاع جامع در مقابل مجرمین خطرناک، مهنامه قضایی، شماره ۱۵

۵- بهروزی زاد، حمیدرضا، (۱۳۸۵)، ماهیت دیه: کیفر یا جبران خسارت، مجله دادرسی، شماره ۶۰، صفحه ۵۰ تا ۵۷

۶- پور قهرمانی، بابک و قربانعلی قلی پور گلوچه، (۱۳۸۰)، بررسی ماده ۲ آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)، مجله دادرسی، شماره ۲۸، سال پنجم، صفحه ۵۱ تا ۵۶

۷- پور قهرمانی، بابک، (۱۳۸۸)، نگرشی بر مجازات های تکمیلی (تتمیمی)، مجله کانون وکلای دادگستری دوره جدید، شماره ۱۳، صفحه ۱۳ تا ۳۴

۸- حائری، کاظم، (۱۳۸۶)، انواع تعزیر و ضوابط آن، مجله فقه اهل بیت، شماره ۵۱، صفحه ۳ تا ۳۳

۹- حبیب زاده، محمدجعفر و محسن عینی نجف آبادی، مبنا و ملاک تعزیر (قسمت اول)، سال ششم، شماره ۳۲

۱۰- حسنی، علی اکبر، (۱۳۶۴)، مفهوم قصاص، حد، تعزیر و دیه، مجله درسهایی از مکتب اسلام، شماره ۲۷، سال ۲۵، صفحه ۴۲